

پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق

عبدالباسط محمودپور*^۱، طاهره شیری^۲، کیومرث فرحبخش^۳، شادی ذوالفقاری^۴

تاریخ ارسال: ۹۸/۳/۸

تاریخ پذیرش: ۹۸/۱۲/۷

چکیده

طلاق به عنوان یکی از اصلی‌ترین عوامل ازهم‌گسیختگی مهم‌ترین نهاد اجتماعی و اساس جامعه یعنی خانواده، از اهمیت بسزایی برخوردار است. پیچیدگی پدیده طلاق و آمار رو به رشد آن در تمام جوامع حاکی از لزوم مطالعه همه‌جانبه عوامل زمینه‌ساز این معضل اجتماعی است. پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با میانجیگری احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق در شهر کرمانشاه، انجام گرفته است. روش پژوهش توصیفی و از نوع همبستگی بود که در قالب تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انجام شد. جامعه مورد پژوهش کلیه زنان متقاضی طلاق ارجاع داده شده از سوی دادسرا به مراکز مشاوره در شهر کرمانشاه در سال ۱۳۹۷ بود که از میان آن‌ها تعداد ۱۰۰ نفر به عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند و به ابزار پژوهش پاسخ دادند. ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بود از: مقیاس دلزدگی زناشویی (MDS)، مقیاس تحمل پریشانی هیجانی و مقیاس احساس تنهایی اجتماعی عاطفی برای بزرگ‌سالان (SELSA-S). داده‌های حاصل در سطح توصیفی با استفاده از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر برای بررسی نقش میانجی، با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS-22 و AMOS تحلیل شدند. نتایج تحلیل داده‌ها نشان داد که مقیاس‌های دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با احساس تنهایی در ارتباط هستند. رابطه احساس

۱- *دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی (نویسنده مسئول).

mahmoudpour.counsellor@yahoo.com

۲- دانشجوی دکتری مشاوره دانشگاه خوارزمی.

۳- دانشیار گروه مشاوره دانشگاه علامه طباطبائی.

۴- دانش آموخته کارشناسی ارشد روان‌سنجی دانشگاه علامه طباطبائی.

تنهایی با گرایش به طلاق به صورت مستقیم معنادار بوده و همچنین اثر غیرمستقیم دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی بر گرایش به طلاق به واسطه‌ی احساس تنهایی معنادار است. نتایج حاکی از اهمیت توجه به متغیرهای دلزدگی زناشویی، تحمل پریشانی و احساس تنهایی در زنان متقاضی طلاق است، بنابراین توجه به این متغیرها به‌عنوان مانعی در برابر گرایش به طلاق اهمیت دارد.

کلیدواژه‌ها: گرایش به طلاق، دلزدگی زناشویی، تحمل پریشانی، احساس تنهایی، زنان.

مقدمه

ازدواج به‌عنوان مهم‌ترین رفتار اجتماعی برای دستیابی به نیازهای عاطفی و کسب امنیت همواره مورد توجه همه روانشناسان، مشاوران و سایر متخصصان بهداشت روان قرار داشته است (دای،^۱ ۲۰۰۳). ازدواج رابطه‌ای پیچیده، ظریف و پویا است. وجود یک خانواده مستحکم، گرم، صمیمی و دارای احترام متقابل یکی از پیامدهای ازدواج موفق است که می‌تواند سلامت جسم و روان، راحتی، آرامش و ایمنی همسران و اعضای خانواده را در پی داشته باشد (پناهی‌فر، یوسفی و امانی، ۲۰۱۴). خانواده مهم‌ترین واسطه انتقال ارزش‌ها و باورها به نسل آینده است و به‌عنوان پایه و اساس تعلیم و تربیت افراد در تمام جوامع شناخته شده است (مهدوی‌نژاد، ۲۰۱۲). یکی از عوامل مؤثر در سلامت نهاد خانواده مسئله طلاق است که به‌عنوان آسیبی اجتماعی از مهم‌ترین مسائل زندگی بشر به شمار می‌رود و در ابعاد گوناگون تأثیری فزاینده بر زندگی انسان‌ها دارد؛ بیشتر به این دلیل که باعث فروپاشی هسته اصلی و بنیادی جامعه یعنی خانواده می‌شود (امین‌الرعا، کاظمیان و اسمعیلی، ۱۳۹۵). پدیده طلاق یکی از پیچیده‌ترین مشکلات زندگی زناشویی در تمام جوامع به شمار می‌رود و این پیچیدگی به دلیل نقش عوامل گوناگون فردی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی در بروز این پدیده است. تأثیرات ویرانگر این پدیده اجتماعی طیفی گسترده را دربرمی‌گیرد و افزون بر زوجین دامن‌گیر فرزندان آن‌ها نیز خواهد شد و سلامت روانی و کیفیت زندگی آن‌ها را نیز تهدید خواهد کرد؛ به این صورت که با ایجاد نگرشی منفی نسبت به ازدواج در فرزندان باعث آسیب رساندن به کیفیت روابط زناشویی آینده آن‌ها می‌شود (کویی و فینچام،^۲ ۲۰۱۰). طلاق از دیدگاه علی، در نوع خود بی‌نظیر است. پژوهشگران معتقدند عوامل گوناگونی در سطوح فرد، خانواده و جامعه به تفکیک و نیز در تعامل با یکدیگر بر رابطه زوجین اثر گذاشته و ممکن است منجر به گرایش به سمت طلاق شوند (آماتو،^۳ ۲۰۱۰). سیر صعودی آمار طلاق و وجود تعارضات و آشفتگی‌های روابط زوجین، انگیزه

^۱Daye, R.^۲Cui, M. & Fincham, F. D.^۳Amato, P. R.

محققان برای یافتن عوامل مؤثر و راهکارهای مناسب جهت مقابله با این فروپاشی رابطه را افزایش داده است. یکی از این آشفتگی‌ها و نابهنجاری‌های روان‌شناختی که به مرور زمان عشق و علاقه بین زوجین را کمرنگ‌تر کرده و گاهی به طور کامل محو می‌کند و موجبات مشکلات روحی و روانی، ادامه روابط سرد و بی‌تفاوتی (طلاق عاطفی) و طلاق رسمی آن‌ها را فراهم می‌کند، دلزدگی زناشویی است (پاینز،^۱ ۲۰۰۷). مفهوم دلزدگی زناشویی، مفهومی ایستا و ثابت نیست و اکثر زوجها در زندگی مشترک خود، تغییرات جزئی را در میزان رضایتمندی تجربه می‌کنند و در نتیجه آن همواره ناگزیرند خود را فعالانه با جنبه‌های گوناگون و تغییرپذیر فیزیکی، اجتماعی و روانی محیط خود سازگار کنند، دلزدگی حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که کسانی را متأثر می‌سازد که توقع دارند عشق رؤیایی به زندگی‌شان معنا بیخشد، این حالت زمانی بروز می‌کند که آن‌ها متوجه می‌شوند علی‌رغم تلاش‌هایشان رابطه‌شان به زندگی معنادار و نخواهد داد (پاینز، ۲۰۰۴). دلزدگی عبارت است از، از پا افتادن جسمی، روانی و عاطفی که از عدم بین توقعات و واقعیت‌ها ناشی می‌شود (وایت، کلین و میلر،^۲ ۲۰۰۵). از پا افتادن روانی که به شکل کاهش خودباوری، نظر منفی نسبت به همسر، احساس یاس و سرخوردگی نسبت به همسر، ناکامی در مورد خود و دوست‌نداشتن خود مشخص می‌شود، هر کدام از این علائم و نشانه‌ها تا حدی در کاهش عملکرد خانواده و به عبارتی مختل شدن کارکردهای خانواده نقش بسزایی دارند (گودرزی، ۱۳۹۲). تحقیقات کارشناسان خانواده نشان می‌دهد که امروزه شیوع دلزدگی زناشویی بیشتر شده است. به طوری که ۵۰٪ از زوجین در ازدواج خود با دلزدگی مواجه می‌شوند (عبادت‌پور، شفیع‌آبادی و فلسفی‌نژاد، ۱۳۹۲). زمانی که افراد پا به عرصه زندگی زناشویی می‌گذارند با انتظارات و توقعات خاصی که از پیش در ذهن خود داشته‌اند، وارد این رابطه می‌گردند؛ اما زمانی که متوجه می‌شوند که واقعیت چیزی دیگر است به تدریج دچار نوعی احساس سرخوردگی و دلخوری و در نهایت دلزدگی از رابطه زناشویی خود می‌شوند، این پدیده امری تدریجی است و به ندرت ناگهانی اتفاق می‌افتد، در حقیقت

^۱Pines, A. M

^۲White, J. M., Klein, D. M., & Miller, L.

عشق و صمیمیت به تدریج تحلیل می‌رود و همراه با آن فرسودگی کلی به وجود می‌آید، در بدترین حالت دلزدگی منجر به قطع شدن و شکستن رابطه زناشویی می‌شود (پاینز، ۲۰۰۷). به این ترتیب و طبق پژوهش‌های انجام شده دلزدگی زناشویی از پدیده‌های آسیب‌زا است که با رضایت زناشویی رابطه نزدیک و تنگاتنگ دارد. فقدان یا کاهش احساس رضایتمندی زناشویی خود می‌تواند سبب ایجاد محرکی برای تصمیم به جدایی و طلاق شود که آثار مخرب و مهلک آن نیز بر کسی پوشیده نیست (وایت، کلین و میلر، ۲۰۰۵) چنانکه تساپلاس، آرون و اورباچ^۱ (۲۰۱۶)، در پژوهش خود نشان دادند که دلزدگی زناشویی منجر به از بین رفتن صمیمیت و جدایی عاطفی زوجین می‌شود. این موضوع سبب می‌شود تا زوجین نتوانند پاسخ مناسبی برای حل اختلاف‌هایشان بیابند. از سوی دیگر به نظر می‌رسد یکی از عوامل مؤثر در چگونگی پاسخگویی زوجین به حل اختلاف‌هایشان مقدار ظرفیت آن‌ها در تحمل پریشانی می‌باشد. پریشانی سازه‌ای متداول در پژوهش‌های مربوط به بی‌نظمی عاطفی است که به صورت سازه‌ای فراهیجانی و به‌عنوان قابلیت فرد برای تجربه و مقاومت در برابر حالت‌های هیجانی منفی بیان شده است. این سازه که ممکن است در نتیجه فرآیندهای شناختی و یا فیزیکی در فرد ایجاد شود، به صورت حالتی هیجانی است که اغلب با تمایلات عملی برای کاهش اثرهای منفی حاصل از تجربه هیجانی مشخص می‌شود (سیمونز و گاهر،^۲ ۲۰۰۵). همچنین، تحمل پریشانی ماهیتی چندبعدی داشته و شامل ابعاد متعددی از جمله ۱) توانایی تحمل، ۲) ارزیابی و ظرفیت پذیرش حالت عاطفی، ۳) شیوه تنظیم هیجان به وسیله فرد، ۴) مقدار جذب توجه به وسیله هیجان‌های منفی و مقدار سهم آن در به وجود آمدن اختلال در عملکرد، می‌شود (لیرو، زوولنسکی و برنستین،^۳ ۲۰۱۰). نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که تحمل پریشانی بر ارزیابی و پیامدهای ناشی از تجربه هیجان‌های منفی تأثیرگذار است، به گونه‌ای که افرادی که در مقایسه با دیگران تحمل پریشانی کمتری دارند، واکنشی شدیدتر به استرس نشان می‌دهند. افزون بر این افراد توانایی‌های مقابله‌ای

^۱Tsapelas, I, Aron, A. & Orbu, T.

^۲Simons, J. S. & Gaher, R. M.

^۳Leyro, T. M. Zvolensky, M. J. & Bernstein, A.

ضعیف‌تری در برابر پریشانی از خود نشان داده و در نتیجه تلاش می‌کنند تا با به‌کارگیری استراتژی‌هایی که هدف آن‌ها کاهش حالت‌های هیجانی منفی است از این‌گونه هیجان‌ها اجتناب کنند (کاگ، ریکاردی، تیمپانو، میچل و اسچمیت،^۱ ۲۰۱۰). به این ترتیب پریشانی موجب می‌شود که افراد زمانی که با چالش‌های تهدیدکننده و فشارزا مواجه می‌شوند، نتوانند هیجان‌هایشان را به‌خوبی مدیریت و تنظیم کنند و در نتیجه تحت تأثیر منفی هیجان‌ها ناخوشایند قرار گیرند که این امر موجب فرسودگی زناشویی شده و در درازمدت به قطع رابطه زناشویی می‌انجامد (اصغری، عیسی‌پور هفت‌خانی و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷). لئوپولد و کالمیجین^۲ (۲۰۱۶)، بیان کردند که آشفتگی‌ها و پریشانی‌های هیجانی منجر به ناتوانی زوجین در مدیریت رابطه خود و دلزدگی ایشان می‌گردد. همچنین به نظر می‌رسد احساس تنهایی در افراد نیز که می‌تواند از همین آشفتگی‌ها ناشی گردد، مشکلات را تشدید کرده و منجر به ایجاد تعارض بیشتر در زوجین می‌گردد. بر اساس تعریف هاینریش و گالون^۳ (۲۰۰۶) تنهایی وضعیت آزاردهنده‌ای است که وقتی بین وضعیت روابط بین فردی مطلوب و موجود، اختلاف قابل ملاحظه‌ای وجود داشته باشد؛ پدید می‌آید. احساس تنهایی پدیده‌ای جهانی است که به فقدان روابط صمیمانه و نزدیک با دیگران اطلاق می‌گردد و اغلب به‌عنوان هیجان منفی و ناخوشایند تلقی شده و بر نگرش‌های افراد نسبت به خود و معنای زندگی تأثیر می‌گذارد، این احساس موجب می‌شود تا فرد احساس درماندگی، بی‌هودگی و بی‌کفایتی کند و برای زندگانی‌اش اهمیت و ارزشی قائل نشود (عموزاد، ۱۳۹۳). چنین به نظر می‌رسد که زوجینی که از احساس تنهایی رنج می‌برند در ارتباط با شریک و همسر خود نمی‌توانند رابطه‌ای صمیمی، قابل اعتماد و برخوردار از حس همدلی، حمایت و پذیرش داشته باشند، به این ترتیب احساس تنهایی، تهدیدی برای ایجاد روابط صمیمی و نزدیک با همسر محسوب شده و گرایش به طلاق را افزایش می‌دهد (میری و نجفی، ۱۳۹۶). اسبارا^۴

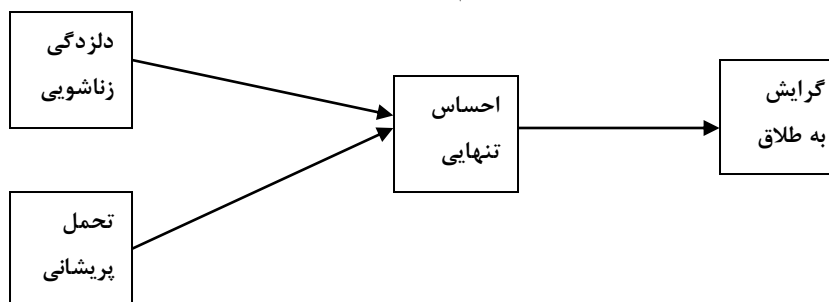
^۱Keough, M. E. Riccardi, C. J. Timpano, K. R. Mitchell, M. A. & Schmidt, N. B.

^۲Leopold, T., & Kalmijn, M.

^۳Heinrich, L. M., & Gullone, E.

^۴Sbarra, D. A.

(۲۰۱۵)، در مطالعه خود بیان کرد که ارتباط نادرست و دلزدگی‌های زناشویی منجر به احساس تنهایی بین زوجین می‌گردد که در طولانی‌مدت به رضایت زناشویی آسیب می‌زند. لئو، سان، ژانگ، وانگ و جیو (۲۰۱۰) نیز در بررسی خود نشان دادند که احساس تنهایی کمتر موجب افزایش ارتباط ایمن با خانواده می‌گردد. سیوستی و همکاران (۲۰۰۹)، نیز به بررسی ارتباط احساس تنهایی و رضایت از زندگی پرداخته و نشان دادند که احساس تنهایی بیشتر موجب نارضایتی از زندگی می‌گردد. پین کوآرت^۲ (۲۰۰۳)، در پژوهش خود نشان داد که افراد مطلقه احساس تنهایی بیشتری نسبت به متأهلین دارند. بر این اساس، پژوهش حاضر با هدف پیش‌بینی گرایش به طلاق بر اساس دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی با تبیین نقش میانجی احساس تنهایی انجام شد.



شکل ۱. مدل مورد آزمون

روش پژوهش

طرح پژوهش حاضر توصیفی و از نوع همبستگی بود که در قالب تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر انجام شد. تحلیل مسیر برای آزمون‌های علی به کار می‌رود و ما را قادر می‌سازد به سازوکار اثر متغیرها بر یکدیگر پی ببریم و مشخص می‌کند اثر هر متغیر تا چه حد مستقیم و تا چه حد غیرمستقیم است (قاسمی، ۱۳۹۲). جامعه مورد پژوهش کلیه زنان متقاضی طلاق در شهر کرمانشاه بود که در سال ۱۳۹۷ از سوی دادسرای این شهر به مراکز مشاوره ارجاع داده شده بودند که از میان آن‌ها تعداد ۱۰۰ نفر به‌عنوان نمونه و با روش نمونه‌گیری در دسترس

^۱Liu, L. J., Sun, X., Zhang, C. L., Wang, Y., & Guo, Q.

^۲Pinquart, M.

انتخاب شدند. روند پژوهش به این صورت بود که پس از کسب مجوزهای لازم و با موافقت، با رعایت جوانب اخلاقی مبنی بر داوطلبانه بودن شرکت در پژوهش، عدم ذکر نام و پنهان ماندن اطلاعات شخصی، نمونه‌های موردنظر به شیوه نمونه‌گیری تصادفی در دسترس انتخاب شده و به ابزار پژوهش پاسخ دادند. معیارهای ورود برای پژوهش سواد خواندن و نوشتن، عدم ابتلا به اختلالات روان‌شناختی و بیماری‌های مزمن جسمانی و رضایت کامل ایشان در پاسخگویی به ابزار پژوهش بود که بر اساس پرسش از خود ایشان حاصل شد. داده‌های حاصل در سطح توصیفی با استفاده از میانگین و انحراف استاندارد و در سطح استنباطی با استفاده از آزمون همبستگی و تحلیل رگرسیون و تحلیل مسیر برای بررسی نقش میانجی، با استفاده از دو نرم‌افزار SPSS-22 و AMOS تحلیل شدند.

ابزار گردآوری اطلاعات در این پژوهش عبارت بود از:

- **مقیاس گرایش به طلاق:** مقیاس گرایش به طلاق پرسشنامه‌ای است که اولین بار به وسیله روزلت، جانسون و مورو (۱۹۸۶) طراحی شد. این پرسشنامه ۲۸ سؤالی است که برای ارزیابی زوجین مستعد و متمایل به طلاق به کار می‌رود که دارای ۴ بعد است و هر بعد ۷ سؤال دارد. شامل بعد تمایل برای خارج شدن (تمایل به طلاق)، بعد تمایل به مسامحه، بعد ابراز احساسات و بعد وفاداری است. هر آیتم به وسیله مقیاس درجه‌بندی ۷ تایی نمره‌گذاری می‌شود (هرگز=۱، بندرت=۲، خیلی کم=۳، کم=۴، زیاد=۵، خیلی زیاد=۶، همیشه=۷)؛ بنابراین نمره هر بعد حاصل جمع نمرات سؤالات مربوط به همان بعد است. نمره بالا در مؤلفه اصلی یعنی گرایش به طلاق حاکی از میزان بالای تمایل به طلاق در آزمودنی‌ها است. چنانچه فرد در ابعاد احساس و وفاداری نمرات بالایی کسب کند، نمره تمایل به طلاق در وی کاهش می‌یابد، نمره‌گذاری سؤالات مربوط به این دو بعد جهت محاسبه نمره کل معکوس است.

روزلت، جانسون و مورو در تحلیل آماری این پرسشنامه ضریب آلفا را برای بعد خارج شدن (تمایل به طلاق) (۰/۹۱)، بعد ابراز احساسات (۰/۷۶)، بعد وفاداری (۰/۶۳) و بعد مسامحه (۰/۸۶) گزارش کردند. این پرسشنامه توسط داوری، اعتمادی و بهرامی (۱۳۸۸) در

ایران هنجاریابی شد که میزان اعتبار آن با استفاده از شیوه آلفای کرونباخ برای کل نمونه (۰/۸۹) برای زنان و ۰/۸۷ برای مردان) و میزان آلفای کرونباخ برای خرده‌مقیاس تمایل برای خارج شدن ۰/۸۹، ابراز احساسات ۰/۹۰، ف وفاداری ۰/۸۶ و مسامحه ۰/۷۲ به‌دست‌آمده است؛ همچنین روایی پرسشنامه به‌صورت بررسی محتوایی توسط پنج متخصص روانشناسی و مشاوره بررسی شد.

- **مقیاس دلزدگی زناشویی (MDS):** این مقیاس نخستین بار توسط کایزر (۱۹۹۳) در ۲۱ ماده ساخته شد که پاسخ‌دهندگان، درجه موافقت و مخالفت خود را با عبارات آن، در تیف ۴ درجه‌ای لیکرت از صفر (کاملاً اشتباه) تا ۳ (کاملاً درست) نشان می‌دهند. این مقیاس، تک‌عاملی است و نمرات بالاتر نشان‌دهنده سطوح بالاتری از دلزدگی است. نمرات این مقیاس در محدوده ۲۱ تا ۴۸ قرار می‌گیرد. کایزر (۱۹۹۳)، طبقه‌بندی زیر را برای نمرات این مقیاس ارائه داده است: ۲۱-۲۶ دلزدگی پایین، ۲۷-۳۴ دلزدگی متوسط به پایین، ۳۵-۴۲ دلزدگی متوسط، ۴۳-۵۴ دلزدگی بالاتر از متوسط و ۵۰-۸۴ دلزدگی زیاد. در پژوهش کایزر (۱۹۹۳) نمرات مقیاس، همبستگی مثبت بالایی با نمرات سایر مقیاس‌های دلزدگی و همبستگی منفی با مقیاس‌های مربوط به صمیمیت و نزدیکی زناشویی داشت و آلفای کرونباخ برابر ۰/۹۷ به دست آمد. مطالعات مختلف نیز، همسانی درونی قابل‌اطمینان و بالایی را گزارش کرده‌اند، پایایی آلفای کرونباخ برای کل مقیاس در مطالعه‌ای ۰/۷۹ تا ۰/۸۹ به دست آمد (پریست و تین، ۲۰۰۳؛ به نقل از دورهام-فولر، ۲۰۱۰). در ایران نیز نخستین بار ساداتی و همکاران (۱۳۹۳) پایایی این مقیاس را به روش آلفای کرونباخ ۰/۷۹ و روایی آن را به روش روایی همگرا^۴ از طریق همبستگی با مقیاس فرسودگی زناشویی^۵ پائینز ۰/۵۴ به دست آوردند.

^۱ internal consistency

^۲ Priest, R. & Thein, M.

^۳ validity

^۴ convergent validity

^۵ Couple burn-out measurement (CBM)

- **مقیاس تحمل پریشانی هیجانی:** این مقیاس یک پرسشنامه خودسنجی تحمل پریشانی هیجانی است که به وسیله سیمونز و گاهر در سال ۲۰۰۵ تهیه شده است. گویه های این مقیاس، تحمل پریشانی را بر اساس توانمندی های فرد برای تحمل پریشانی هیجانی، ارزیابی ذهنی پریشانی، میزان توجه به هیجان های منفی در صورت وقوع و اقدام های تنظیم کننده برای تحمل پریشانی ارزیابی می کنند. این مقیاس شامل ۱۵ پرسش و چهار خرده مقیاس تحمل پریشانی هیجانی، جذب شدن به وسیله هیجان های منفی، ارزیابی ذهنی پریشانی و تنظیم تلاش ها در راستای کاهش پریشانی می باشد. گویه های این مقیاس بر اساس مقیاس پنج درجه ای لیکرت نمره گذاری می شوند. نمره های بالا در این مقیاس نشان دهنده تحمل پریشانی بالا است. ضرایب آلفا برای این خرده مقیاس ها ۰/۷۲، ۰/۷۸، ۰/۸۲، ۰/۷۰ و برای کل مقیاس ۰/۸۲ برآورد شده است. عزیزی، میرزایی و شمس (۲۰۱۰) نیز مقدار آلفای کرونباخ این پرسشنامه را ۰/۶۷ و اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را نیز ۰/۷۹ گزارش کردند.

- **مقیاس احساس تنهایی اجتماعی عاطفی برای بزرگسالان (SELSA-S):** این مقیاس به وسیله دی توماسو، برانن و بست (۲۰۰۴) بر اساس تقسیم بندی ویس، طراحی و تهیه گردید. این مقیاس شامل ۱۵ گویه و سه زیر مقیاس، احساس تنهایی رمانتیک (پنج گویه)، خانوادگی (پنج گویه) و اجتماعی (پنج گویه) است و احساس تنهایی عاطفی که در پژوهش حاضر مورد بررسی قرار گرفت از مجموع زیرمقیاس های رمانتیک و خانوادگی به دست می آید. در مقابل هر گویه طیف گزینه ای از کاملاً مخالفم (نمره ۱) تا کاملاً موافقم (نمره ۵) قرار دارد. تمامی گویه ها به جز گویه های ۱۴ و ۱۵ به شیوه معکوس نمره گذاری می شوند و کسب نمره بیشتر در هر یک از ابعاد این مقیاس، نشان دهنده احساس تنهایی بیشتر در آن بعد است. در ایران پایایی و روایی این مقیاس در پژوهشی بررسی شد. نتایج مؤید وجود سه فاکتور احساس تنهایی رمانتیک با ۴ گویه، احساس تنهایی خانوادگی با ۵ گویه و احساس تنهایی رمانتیک، اجتماعی و خانوادگی به ترتیب برابر ۰/۹۲، ۰/۸۴ و ۰/۸۷ بود (جوکار و سلیمی، ۱۳۹۰).

۱. Distress tolerance scale

یافته‌های پژوهش

در این بخش ابتدا یافته‌های مربوط به متغیرهای جمعیت شناختی گزارش می‌شود.

جدول ۱. توزیع فراوانی نمونه مورد مطالعه به تفکیک متغیرهای جمعیت شناختی

متغیر	شاخص آماری	فراوانی	درصد
تحصیلات	دیپلم	۱۲	۱۲
	کاردانی	۱۹	۱۹
	کارشناسی	۴۲	۴۲
	کارشناسی ارشد و دکترا	۲۷	۲۷
سن	۲۰ تا ۳۰ سال	۲۶	۲۶
	۳۱ تا ۴۰ سال	۵۳	۵۳
	۴۱ تا ۵۰ سال	۲۱	۲۱

مطابق با جدول (۱)، بیشترین فراوانی برای افراد با سن ۳۱ تا ۴۰ سال و با تحصیلات کارشناسی است.

در این پژوهش، دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی و رابطه آن‌ها با احساس تنهایی و گرایش به طلاق در قالب یک مدل تحلیل مسیر مورد سنجش واقع شده است. یافته‌های توصیفی عوامل دلزدگی زناشویی، تحمل پریشانی، احساس تنهایی و گرایش به طلاق در جدول ۲ آورده شده است.

جدول ۲. یافته‌های توصیفی مقیاس‌های تحقیق

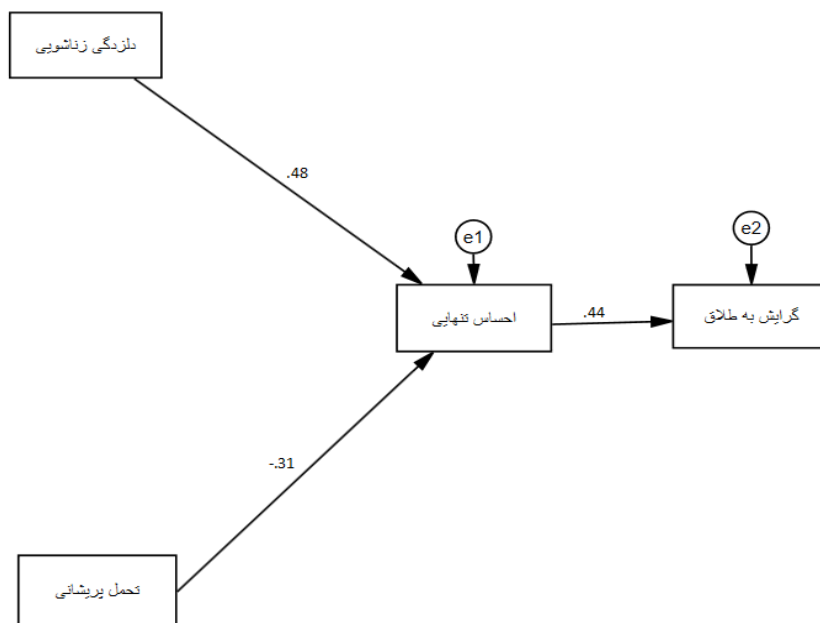
شاخص آماری مقیاس	میانگین	انحراف استاندارد
دلزدگی زناشویی	۵۴/۰۴	۶/۱۴
تحمل پریشانی	۴۲/۵۶	۵/۷۸
احساس تنهایی	۴۱/۴۶	۴/۹۳
گرایش به طلاق	۸۹/۷۲	۱۹/۸۳

در این بخش در پی پاسخ به پرسش اصلی پژوهش مبنی بر اینکه " آیا مدل تبیین گرایش به طلاق با توجه به دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی و نقش میانجی احساس تنهایی با داده‌های تجربی برازش دارد؟" از روش تحلیل مسیر بهره برده شده است. به‌طور کلی هر یک از شاخص‌های به‌دست‌آمده به‌تنهایی دلیل برازندگی یا عدم برازندگی مدل نیستند و این شاخص‌ها را در کنار هم بایستی تفسیر نمود. مقدارهای به‌دست‌آمده برای شاخص‌های مدل اولیه نشان داد که در مجموع الگو در جهت تبیین و برازش از وضعیت مناسبی برخوردار است. در جدول ۴ مهم‌ترین شاخص‌های آزمون برازش مدل مفهومی پژوهش گزارش شده است.

جدول ۳. شاخص‌های برازش مدل

شاخص‌های برازش	$df/2\chi$	RMSEA	NFI	CFI	GFI	AGFI
مقدار به‌دست‌آمده	۱/۴۲	۰/۰۶	۰/۹۷	۰/۹۷	۰/۹۸	۰/۹۶

همان‌گونه که مشاهده می‌شود شاخص‌های برازش مدل در وضعیت مطلوبی قرار دارند. در ادامه ضرایب مدل نهایی در شکل ۱ و جدول ۳ ارائه شده است.



شکل ۱. مدل در حالت ضرایب استاندارد شده

با توجه به اینکه در مدل آزمون شده بالا، مسیرهای بین متغیرها همان فرضیه‌های پژوهش هستند، در ادامه به همراه جداول اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل به آزمون فرضیه‌های پژوهش پرداخته شده است.

جدول ۴. ضرایب و معناداری اثرات مستقیم و غیرمستقیم

sig	آماره معناداری	β استاندارد شده	ضریب استاندارد نشده	رابطه
۰/۰۰۱	۵/۰۳	۰/۴۸	۰/۶۱	دلزدگی زناشویی ← احساس تنهایی
۰/۰۰۱	-۳/۹۸	-۰/۳۱	-۰/۳۸	تحمل پریشانی ← احساس تنهایی
۰/۰۰۱	۴/۲۹	۰/۴۴	۰/۵۲	احساس تنهایی ← گرایش به طلاق
۰/۰۰۱	۲/۶۶	۰/۲۱	۰/۲۹	دلزدگی زناشویی ← احساس تنهایی ← گرایش به طلاق
۰/۰۴	-۱/۹۹	-۰/۱۴	-۰/۲۰	تحمل پریشانی ← احساس تنهایی ← گرایش به طلاق

آنچه از نتایج جدول فوق برمی آید این است که مقیاس‌های دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی اثر مستقیمی بر احساس تنهایی داشته‌اند. رابطه احساس تنهایی با گرایش به طلاق به صورت مستقیم معنادار بوده و برابر ($t = 4/29$ و $\beta = 0/44$) است. همچنین اثر غیرمستقیم دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی بر گرایش به طلاق به واسطه‌ی احساس تنهایی معنادار بوده است ($p < 0.05$).

بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر پاسخگویی به این سؤال بود که آیا دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی از طریق متغیر میانجی احساس تنهایی توان پیش‌بینی گرایش به طلاق را دارند؟ برای دستیابی به پاسخ این سؤال تأثیر متغیرهای دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی به صورت مستقیم و غیرمستقیم به واسطه متغیر میانجی احساس تنهایی بر گرایش به طلاق مورد بررسی قرار گرفت. نتایج حاصل از یافته‌ها نشان داد که مقیاس‌های دلزدگی زناشویی و تحمل پریشانی اثر مستقیمی بر گرایش به طلاق دارند. نتایج حاصله از تأثیر مثبت و مستقیم دلزدگی زناشویی بر گرایش به طلاق با مطالعات هانسون و لندلند (۲۰۰۶)، عباسی اسفجیر، رضانی و جوانمرد (۱۳۹۵) و کمایی و صداقتی فرد (۱۳۹۴) همسو می‌باشد، توضیح اینکه سرخوردگی و دلزدگی زناشویی منجر به تنزل کیفیت زناشویی و عدم رضایتمندی از آن می‌گردد که همین امر زمینه را برای گرایش افراد به طلاق افزایش می‌دهد. در واقع از آنجایی که دلزدگی زناشویی به معنای حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است، زمانی بروز می‌کند که به علت عدم تناسب بین توقعات و واقعیات و بر اثر انباشته شدن فشارهای روانی تضعیف‌کننده عشق، خستگی و یکنواختی در رابطه زناشویی رخ می‌دهد که نهایتاً منجر به مختل کردن ارتباط بین زوجین می‌شود (کمایی و صداقتی فرد، ۱۳۹۴). همچنین نتایج حاصل در خصوص ارتباط مستقیم تحمل پریشانی و گرایش به طلاق با مطالعات سیمونز و گاهر (۲۰۰۵) و کیانی و همکاران (۱۳۹۵) همسو می‌باشد، در واقع می‌توان گفت توانایی تحمل پریشانی موجب می‌شود تا افراد قادر به تسکین هیجانات خود بوده و در بحران‌ها آشفستگی و

۱. Hansson, K., & Lund Bland, A.

فشار روانی را تحمل کنند که این خود سبب توانایی رویارویی با مشکلات و حل آن‌ها می‌گردد، به عبارت دیگر، زوجین دارای پریشانی هیجانی نمی‌توانند به خوبی هیجانات خود را در موقعیت‌های آسیب‌زای زندگی کنترل کرده و به حل مشکلات بپردازند همین امر زمینه را برای شکست ایشان در ارتباط زناشویی‌شان محقق می‌سازد (اصغری، عیسی‌پور هفت‌خانی و قاسمی جوبنه، ۱۳۹۷). همچنین نتایج حاصل از پژوهش نشان داد که مقیاس‌های دلزدگی زناشویی و تحمل‌پریشانی اثر مستقیمی بر احساس تنهایی داشته‌اند. رابطه احساس تنهایی با گرایش به طلاق به صورت مستقیم معنادار بوده و همچنین اثر غیرمستقیم دلزدگی زناشویی و تحمل‌پریشانی بر گرایش به طلاق به واسطه‌ی احساس تنهایی معنادار است. این یافته با مطالعات مختلفی از جمله پژوهش‌های تساپلاس، آرون و اورباچ (۲۰۱۶)، وایت، کلین و دیوید (۲۰۰۸)، پین کوآرت (۲۰۰۳) و سیو و همکاران (۲۰۱۰) همسو می‌باشد. در تبیین این یافته می‌توان گفت که وقتی رابطه بین زوجین متشنج باشد و زوج دچار دلزدگی شوند به دنبال آن احساس تنهایی فزونی پیدا می‌کند چرا که یکنواختی زندگی و تفاوت واقعیت با توقع هریک از زوجین از عشق و زندگی زناشویی سبب می‌شود تا ارتباط بین زوجین کاهش و به دنبال آن تنهایی هریک از آن‌ها افزایش یابد (عباسی اسفنجیر، رضانی و جوانمرد، ۱۳۹۵). پاتو، حقیقت و حسن آبادی (۱۳۹۲) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند که کیفیت ارتباط زوجین روی احساس تنهایی آنان نقش دارد و وقتی که کیفیت ارتباط آنان رو به افول باشد احساس تنهایی آن‌ها نیز بیشتر می‌شود. اکثر افراد با این هدف ازدواج می‌کنند تا از تنهایی بیرون بیایند و ازدواج را مساوی با عدم تنهایی می‌دانند، لذا وقتی این افراد دچار دلزدگی زناشویی می‌گردند احساس تنهایی بیشتری می‌کنند. از سوی دیگر بر اساس مطالعه کاگ و همکاران (۲۰۱۰)، افرادی که در مقایسه با دیگران تحمل‌پریشانی کمتری دارند، واکنشی شدیدتر به استرس نشان داده و توانایی مقابله ضعیف‌تری در برابر پریشانی‌ها دارند و از آن جا که چنین افرادی تلاش می‌کنند تا با به کارگیری استراتژی‌هایی که هدف آن‌ها کاهش حالت‌های هیجانی منفی است از این گونه هیجان‌ها اجتناب کنند، لذا از ارتباطات گسترده و عمیق اجتناب کرده که این خود موجب احساس تنهایی بیشتر در ایشان می‌گردد. همچنین نتایج پژوهش در این خصوص که احساس تنهایی منجر به گرایش زوجین به طلاق

می‌گردد نیز با مطالعات فلورا و سگرین^۱ (۲۰۰۰) و کیکالت گلاسر و نیوتون^۲ (۲۰۰۱) در یک راستاست و در تبیین آن می‌توان گفت وقتی ازدواج نتواند مانع از احساس تنهایی در فرد شود خشم، تلخی و پس زدن احساسی اتفاق می‌افتد که نهایتاً می‌تواند منجر به گرایش افراد به جدایی و طلاق گردد. به این ترتیب و بر اساس مطالب عنوان شده می‌توان گفت عواملی همچون دلزدگی زناشویی و پریشانی در زوجین نهایتاً منجر به احساس تنهایی در زوجین گشته و زمینه را برای اختلاف ایشان و گرایش به طلاق در آنان فراهم می‌کند چرا که رضایت از ارتباط زناشویی و عدم گرایش زوجین به طلاق متغیری است که تحت تأثیر عوامل بی‌شماری قرار دارد که به‌طور مستقیم و یا غیرمستقیم بر آن اثرگذار هستند. احساس تنهایی در زوجین که ناشی از فقدان دلبستگی صمیمانه و نزدیک به همسر و متأثر از عوامل مختلف است بر این امر تأثیرگذار است. تنهایی به‌عنوان یک متغیر دخیل در ارتباط زمانی رخ می‌دهد که زوجین دیگر احساس نمی‌کنند که رابطه آن‌ها ارزشمند است (پاتو، حقیقت و حسن‌آبادی، ۱۳۹۱)، لذا با توجه به مشکلات بین‌فردی که اغلب توسط زوجین تجربه می‌شود، معقول است توجه کنیم که تنهایی نتیجه‌نهایی متغیرهای روانی مختلف همچون دلزدگی زناشویی و پریشانی هیجانی و معلول عدم رضایت زوجین و گرایش ایشان به طلاق باشد. به‌طورکلی می‌توان نتیجه‌گرفت دلزدگی زناشویی و عدم تحمل پریشانی می‌تواند منجر به افزایش احساس تنهایی در فرد شده و احساس تنهایی حاصل نیز منجر به کاهش کیفیت و رضایت از رابطه زناشویی و نهایتاً گرایش افراد به طلاق می‌گردد. یافته‌های پژوهش حاضر از دو جنبه نظری و عملی می‌تواند مفید باشد. در سطح نظری با بررسی تأثیر عوامل ذکر شده بر گرایش به طلاق، به بدنه پژوهشی و دانش موجود در زمینه شناسایی عوامل مؤثر بر چگونگی و چرایی بهبود، افول و تغییرات زندگی مشترک در طول زمان و گرایش افراد به طلاق و جدایی کمک می‌کند و در سطح عملی نتایج این پژوهش می‌تواند کمک‌بزرگی در پیشگیری و کنترل آسیب اجتماعی طلاق و افزایش کیفیت زندگی زوجین باشد. پژوهش حاضر بر روی زنان متقاضی طلاق شهرستان کرمانشاه انجام گرفته است لذا تعمیم آن به

^۱Flora, J., & Segrin, C.

^۲Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L.

مردان و یا افراد سایر گروه‌ها باید با احتیاط انجام گیرد. پیشنهاد می‌شود جهت افزایش گستره تعمیم‌پذیری یافته‌های این پژوهش، پژوهش‌های مشابهی بر روی گروه‌های دیگری از جمله مردان متقاضی طلاق و زوجین غیر متقاضی طلاق صورت گیرد.

منابع

- اصغری، فرهاد؛ عیسی‌پور هفت‌خانی، خدیجه و قاسمی‌جوینه، رضا (۱۳۹۷). اثربخشی آموزش تنظیم هیجان بر فرسودگی زناشویی و طلاق عاطفی زنان متقاضی طلاق. فصلنامه مددکاری اجتماعی، سال هفتم، شماره ۱، ص ۱۴-۲۱.
- امین‌الرعایا، رضوان؛ کاظمیان، سمیه و اسمعیلی، معصومه (۱۳۹۵). پیش‌بینی تحمل‌پریشانی بر اساس مؤلفه‌های ارتباطی خانواده مبدأ در زنان مطلقه و غیرمطلقه. فصلنامه علمی پژوهشی زن و جامعه، سال هفتم، شماره چهارم، ص ۳۱-۳۹.
- پاتو، مزگان؛ حقیقت، فرشته و حسن‌آبادی، حمیدرضا (۱۳۹۲). بررسی نقش کیفیت ارتباط زوجین در پیش‌بینی احساس تنهایی. فصلنامه مشاوره و روان‌درمانی خانواده، سال سوم، شماره چهار، ص ۵۴۳-۵۶۳.
- داوری، زهرا؛ اعتمادی، عذرا و بهرامی، فاطمه (۱۳۸۸). بررسی تأثیر رویکرد راه‌حل محور بر کاهش گرایش به طلاق در زنان و مردان مستعد طلاق شهر اصفهان. فصلنامه علمی- پژوهشی رفاه اجتماعی، سال یازدهم، شماره چهل‌وسه، ص ۱۲۱-۱۳۴.
- عبادت‌پور، بهناز؛ نوایی‌نژاد، شکوه؛ شفیق‌آبادی، عبدالله و فلسفی‌نژاد، محمدرضا (۱۳۹۲). نقش واسطه‌ای کارکردهای خانواده برای تاب‌آوری فردی و باورهای معنوی و دلزدگی زناشویی. روش‌ها و مدل‌های روان‌شناختی، سال سوم، شماره سیزدهم، ص ۲۹-۴۵.
- عباسی‌اسفجیر، علی‌اصغر؛ رضوانی، لیدا و جوانمرد، مهدی (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین عملکرد خانواده و رضایت زوجین با دلزدگی زناشویی فرهنگیان متأهل شهرستان بهشهر. فصلنامه دانش انتظامی مازندران، سال هفتم. شماره چهار، ص ۴۳-۵۶.
- عموزاد، آرزو (۱۳۹۳). بررسی تأخیرسن ازدواج و احساس تنهایی در دانشجویان تحصیلات تکمیلی خوابگاهی دانشگاه الزهراء سال تحصیلی ۹۳-۹۲. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته مطالعات زنان. دانشگاه الزهراء (س).

کمای، فرشته و صداقتی فرد، مجتبی (۱۳۹۴). بررسی رابطه کثرکاری جنسی در زنان متأهل با دلزدگی زناشویی آن‌ها. فصلنامه روانشناسی تحلیلی-شناختی، سال ششم، شماره ۲۳، ص ۶۰-۶۷.

کیانی، احمدرضا؛ اسدی شیشه‌گران، سارا؛ اسماعیلی قاضی ولویی، فریبا و زوار، مجید (۱۳۹۵). پیش‌بینی دلزدگی زناشویی بر اساس ابرازگری هیجانی و اسنادهای زناشویی در افراد متأهل مراجعه‌کننده به مراکز بهزیستی شهر اردبیل. پژوهش‌های مشاوره، سال پانزده، شماره ۵۹، ص ۵۷-۸۵.

گودرزی، محمود (۱۳۹۲). اثربخشی زوج‌درمانی با رویکرد ستیربر بهبود عملکرد خانواده و کاهش دلزدگی زناشویی. پژوهش‌های مشاوره، سال ۱۲، شماره ۴۸، ص ۲۷-۴۴.

میری، نسرين و نجفی، محمود (۱۳۹۶). نقش صمیمیت، احساس تنهایی و ناگویی خلقی در پیش‌بینی رضایت زناشویی. مجله دانشگاه علوم پزشکی قم، سال ۱۱، شماره ۳، ص ۶۶-۷۴.

- Amato, P. R. (2010). *Research on Divorce: Continuing Trends and New Developments*. Journal of Marriage and Family, 72, 650-666.
- Cui, M. & Fincham, F. D. (2010). *The differential effects of parental divorce and marital conflict on young adult romantic relationships*. Personal Relationships, 17(3), 331-343.
- Cumming, & Oreilly.M. (1997). *The Clinical Significance of Loneliness: A Literature Review*. Clinical Psychology Review, 26, pp. 695-718.
- Daye, R. (2003). *Introduction to Family processes*. London: Lawrence Erlbaum Association, Inc.
- DiTommaso, E., Brannen, C., & Best, L. A. (2004). *Measurement and Validity Characteristics of the Short Version of the Social and Emotional Loneliness Scale for Adults*. Educational and Psychological Measurement, 64(1), 99-119.
- Durham-Fowler, J. N. (2010). *Therapeutic assessment with couples. A dissertation for the degree of doctor of philosophy*. University of Texas at Austin.
- Flora, J., & Segrin, C. (2000). *Relationship development in dating couples: Implications for relational satisfaction and loneliness*. Journal of Social and Personal Relationships, 17 (6), 811-825.

- Hansson, K., & Lund Bland, A. (2006). *Couple therapy effectiveness of treatment and long term follow up*. Journal of Family Therapy, 28, pp. ۲۵۴-۲۷۶.
- Heinrich, L. M., & Gullone, E. (2006). *The clinical significance of loneliness: A literature review*. Clinical psychology review, 26(6), 695-718.
- Kayser, K. (1993). *When love dies: The process of marital disaffection*. NY: Guilford.
- Keough, M. E. Riccardi, C. J. Timpano, K. R. Mitchell, M. A. & Schmidt, N. B. (2010). *Anxiety symptomatology: The association with distress tolerance and anxiety sensitivity*. Behavior Therapy, 41(4), 567-574.
- Kiecolt-Glaser, J. K., & Newton, T. L. (2001). *Marriage and health: His and hers*.
- Leopold, T., & Kalmijn, M. (2016). *Is divorce more painful when couples have children? Evidence from long-term panel data on multiple domains of well-being*. Demography, 53(6), 1717-1742.
- Leyro, T. M. Zvolensky, M. J. & Bernstein, A. (2010). *Distress tolerance and psychopathological symptoms and disorders: a review of the empirical literature among adults*. Psychological bulletin, 136(4), 576.
- Liu, L. J., Sun, X., Zhang, C. L., Wang, Y., & Guo, Q. (2010). *A survey in rural China of parent-absence through migrant working: the impact on their children's self-concept and loneliness*. BMC public health, 10(1), 32.
- Mahdavinjad, M. & Moradchelleh, A. (2012). *The impact of family and social class on efficiency of arts education and learning*. Middle-East Journal of Scientific Research, 11(8), 1068-1077.
- Panahifar, S., Yousefi, N., & Amani, A. (2014). *The effectiveness of schema-based couple therapy on early maladaptive schemata adjustment and the increase of divorce applications adaptability*. Journal of business & management review, 3(9), 339-345.
- Pines, A. M. (2004). *Adult attachment styles and their relationship to burnout: a preliminary, cross-cultural investigation work and stress*. The Family Journal. 18, pp. 66-80.
- Pines, A. M. (2007). *Couple burnout: Causes and cures*. The American Journal of Family Therapy. 10, pp. 42-48.
- Pinquart, M. (2003). *Loneliness in married, widowed, divorced, and never-married older adults*. Journal of Social and personal relationships, 20(1), 31-53.
- Rusbult, C. E. Johnson, D. J. & Morrow, G. D. (1986). *Impact of couple patterns of problem solving on distress and nondistress in dating relationships*. Journal of Personality and Social Psychology, 50(4), ۷۴۴-۷۵۳.
- Sbarra D. (2015). *Divorce and Health: Current Trends and Future Directions*. Psychism Med. 77 (3):227-36.

- Simons, J. S. & Gaher, R. M. (2005). *The Distress Tolerance Scale: Development and validation of a self-report measure*. *Motivation and Emotion*, 29(2), 83-102.
- Tsapelas, I, Aron, A and Orbuc, T (2016). *Marital boredom now predicts less satisfaction 9 years late* Published in: *Psychological Science*. 20(5). Pp. ۵۴۳-۵۴۵.
- White, J. M., Klein, D. M., & Miller, L. (2005). *Family theories*. *Canadian Journal of Sociology*, 30(1), 133.

